

Reflection of National Components in the Content of Geography Textbooks from 1958 to 1978 during the Second Pahlavi Period (Application of Ruth Wodak's Theory of Historical Discourse Analysis)

Azam Faramarizi¹ Mohammad Kalhor²

1. Ph.D. History of Iran, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: Faramarzi.1980@yahoo.com
2. Corresponding Author, Assistant professor, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran Email: Kalhor.mohammad72@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 1 Septe 2021

Received in revised form: 1Janu 2021

Accepted: 20 March 2022

Publishedonline:5May2022

Keywords:

National Components,
Geography Textbooks,
Ruth Wodak,
Second Pahlavi,
Iran.

Geography is one of the most important branches of human knowledge that can be the place of manifestation of national components. A realistic understanding of natural and human phenomena, a study of the history of places, and the citation of historical evidence to determine the boundaries of a group of peoples also involve the creation of a mental realm behind which it is possible to define "us" and "the others". This article seeks to formulate the relationship between the national components considered by the government in the second Pahlavi period and how to make scientific propositions in geographical textbooks, referring to the methodological principles of Ruth Wodak's theory of historical discourse analysis. Finally, the methods and techniques of defining Iran as a political entity during the content of geography textbooks in the second Pahlavi period will be examined to show how government interventions in the arrangement of information in geography textbooks correspond to national interests and to strengthen the pillars.

Cite this article: Faramarizi, Azam & Kalhor, Mohammad (2022) Reflection of National Components in the Content of Geography Textbooks from 1958 to 1978 during the Second Pahlavi Period (Application of Ruth Wodak's Theory of Historical Discourse Analysis) (1006-1135A.H). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 16No30, Pages401-421

. DOI .10.22111/JHR.2021.38666.3149



© The Author(s). Azam Faramarizi & Mohammad Kalhor

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI .10.22111/JHR.2021.38666.3149

بازتاب مؤلفه‌های ملی در محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا (مقطع دبیرستان) در دوره پهلوی دوم کاربرد نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک

اعظم فرامرزی^۱ محمد کلهر^۲

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، تهران، ایران. Faramarzi.1980@yahoo.com
^۲ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Kalhor.mohammad72@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

جغرافیا از مهم‌ترین شاخه‌های دانش بشری است که می‌تواند محل تجلی مولفه‌های ملی باشد. درک و دریافت واقع‌بینانه از پدیده‌های طبیعی و انسانی، بررسی تاریخچه جای‌نام‌ها و استناد به شواهد تاریخی برای تعیین حدود قلمروی سکونت یک گروه از مردمان متضمن ایجاد یک قلمروی ذهنی نیز هست که در پس آن امکان تعریف شدن «ما» و «دیگری» فراهم می‌شود. این مقاله، با ارجاع به اصول روش‌شناختی نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک، درصدد است تا رابطه بین مؤلفه‌های ملی مدنظر حکومت در دوره پهلوی دوم و چگونگی طرح گزاره‌های علمی در کتاب‌های درسی جغرافیایی را صورت‌بندی کند. در نهایت، روش‌ها و تکنیک‌های تعریف شدن ایران به مثابه یک موجودیت سیاسی در خلال محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا در دوره پهلوی دوم بررسی خواهد شد تا نشان دهد که دخالت‌های حکومت در چیدمان اطلاعات در کتاب‌های درسی جغرافیا چگونه متناظر به مصالح ملی و در جهت تقویت ارکان حاکمیت سیاسی بوده‌است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۱۵

واژه‌های کلیدی:

مؤلفه‌های ملی،
کتاب‌های درسی جغرافیا،
روث وداک،
پهلوی دوم،
ایران.

استناد: فرامرزی، اعظم و کلهر، محمد (۱۴۰۱). بازتاب مؤلفه‌های ملی در محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا (مقطع دبیرستان) در دوره پهلوی دوم کاربرد نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۶، شماره ۳۰، ص ۴۰۱-۴۲۱.

DOI. 10.22111/JHR.2021.38666.3149



مقدمه

جغرافیا شامل تجزیه و تحلیل مکانی پدیده‌های انسانی و طبیعی، اکتشافات علوم زمین و بررسی رابطه بین طبیعت و زندگی انسان است. مطالعه جغرافیا شامل تجزیه و تحلیل فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که بر طبیعت تأثیر می‌گذارند (میرحیدر، ۱۳۸۲، ص: ۲۷). همچنین این رشته شامل مطالعه مردم یک سرزمین است. جغرافیای یک منطقه بر سبک زندگی ساکنان آن منطقه تأثیر می‌گذارد. شرایط جغرافیایی یک منطقه بر فرهنگ آن منطقه تأثیر می‌گذارد. شرایط جغرافیایی تأثیر عمیقی بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مردم دارند. جغرافیای یک منطقه تأثیر مستقیمی بر فرم‌های هنری، ادبیات، عادات غذایی و جشن‌ها و آداب و رسوم مردمی که در آن منطقه ساکن هستند، دارد (لشگری تفرشی، ۱۳۹۹، ص: ۱۲). امروزه با پیچیده‌تر شدن جهان در نتیجه جهانی‌شدن، بهبود فن‌آوری‌های حمل و نقل و ارتباطات، تغییر در سیستم‌های طبیعی، و افزایش همکاری و تعارض نیاز به دانش جغرافیایی در میان مردم جهان افزایش می‌یابد. جغرافیا را علم بررسی فضا هم تعریف کرده‌اند. فضا مقوله یا قلمرو واقعی است که سه بعد طول، عرض و ارتفاع دارد. در این دیدگاه فضاهای جغرافیایی به‌عنوان یک واقعیت و وجود حقیقی در همه مقیاس‌ها از سطح محلی تا کروی به مثابه یک ساختار مورد توجه قرار می‌گیرد. اما تعریفی که از جغرافیا در کشور ما رواج دارد، جغرافیا را دانش گردآوری اطلاعات و توصیف محض مکان‌ها، نواحی، مناطق و فضاهای جغرافیایی پنداشته‌است. این دیدگاه هنوز بر آموزش مدرسه‌ای جغرافیا و نیز تصور جامعه و شهروند جغرافیا در ایران تسلط دارد (حافظ نیا، ۱۳۹۳، ص: ۳۳). در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت که پژوهش حاضر نه از حیث رویکرد و روش و نه از حیث موضوع، در تحقیقات دانشگاهی به زبان فارسی نمونه‌ای ندارد. در جستجوهای انجام شده تنها یک مقاله نزدیک به موضوع یافت شد. مقاله «وجوه فرهنگی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول (کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی)» از معصومه شکور قهاری و دکتر محمدعلی اکبری شاید از حیث موضوعی نزدیک‌ترین تحقیق انجام شده نسبت به پژوهش حاضر باشد (دکتر محمدعلی اکبری و شکور قهاری، ۱۳۹۱)، در حالی که روش و رویکرد آن به کل متفاوت است. همچنین متون درسی دوره پهلوی اول

موضوع مقاله مذکور بوده، اما در پژوهش حاضر به‌طور ویژه کتاب‌ها درسی دوره پهلوی دوم مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

رویکرد تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک

در این پژوهش از رویکردی استفاده شده که نتیجه مطالعات روث وداک (Wodak & Meyer, ۲۰۰۱) است. این رویکرد نوین به تحلیل گفتمان اگرچه شباهت‌های زیادی به رویکردهای پیش از خود دارد، اما وجود عواملی مانند توجه ویژه به تاریخ و اطلاعات پس‌زمینه‌ای تاریخی و کاربرد آن در فهم متن، منجر به شکل‌گیری این رویکرد جدید با سنخیت تازه‌ای نسبت به نمونه‌های مشابه قبلی شده که امروز تحت‌عنوان تحلیل تاریخی-گفتمانی شناخته می‌شود (Wodak & Meyer, ۲۰۰۱ P: ۱۱۱). این رویکرد در سطح تحلیل متن، به سه راهبرد در قالب سه سؤال توجه دارد:

- ۱- راهبرد استدلالی: گوینده یا نویسنده با اتکا به چه راهکارهایی موفق می‌شود یک استدلال مخفی در پس ذهن مخاطب ایجاد کند تا مخاطب پس از دریافت سایر اطلاعات، به نتیجه‌گیری خاص مورد نظر او دست یابد؟
- ۲- راهبرد گزاره‌ای: چه ویژگی‌ها و خصوصیتی به رویدادهای تاریخی یا شئون فرهنگی تاریخ نسبت داده می‌شود؟

۳- راهبرد منظر سازی: استدلال‌ها، القاب و نسبت‌ها از چه دیدگاه یا منظری بیان می‌شوند؟ در ادامه، به فراخور اقتضائات بروز و ظهور این سه راهبرد زبانی، سه کتاب به نمایندگی از تمام کتاب‌های درسی جغرافیا در مقطع دبیرستان در دوره پهلوی دوم، گزینش شده‌اند تا پاسخ‌گوی نیاز پژوهش باشند. بدیهی است، در هر مقطع، و در هر رشته جداگانه، کتاب‌های درسی جغرافیا با مطالب عمومی و تخصصی چاپ و نشر شده‌اند، که کمابیش برای اقناع ذهن مخاطب دانش‌آموز، از الگوی راهبردهای زبانی مورد اشاره پیروی کرده‌اند. در ایضاح این راهبردهای زبانی می‌توان اینطور گفت که روث وداک، به تاسی از پیر بوردیو، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی، در نظریه فراگفتمان خود به مشغله «صورت‌بندی زبانی» به‌عنوان یک field یا میدان زبانی می‌نگرد که خود

مرکب از چندین function یا کارکرد است (Wodak & Chilton, ۲۰۰۵ P: ۲۲۲). وداک معتقد بود در هر میدان زبانی از قبیل خانواده، سیاست، روشن‌فکری، تفسیر قرآن، و... ما نیازمند سخن گفتن درباره موضوعات مختلف هستیم که کارکرد خاصی را از «زبان» انتظار می‌کشند. او معتقد بود در پاسخ به این کارکردهای متفاوت مربوط به هر میدان زبانی، متن مجبور به خلق ژانرهای زبانی خاص هر کارکرد است. به عبارت دیگر، هر یک از این کارکردها با «ژانر» (نوع) زبانی خاص خود همراه است (Wodak, n.d. P: ۳۳). در مرحله بعد روث وداک به طرح این نکته می‌پردازد که هر ژانر زبانی خود مجموعه‌ای از متن‌های زبانی را خلق می‌کند که در پیوند دقیق با موقعیت‌های خاص به کارگیری آن‌هاست. به اعتقاد وداک، تحلیل گفتمان به تحلیل این متون می‌پردازد که خود هر یک مربوط به یک کارکرد خاص در درون یک میدان هستند. وداک بر این باور است که در فرا گفتمان مهم‌ترین نکته پرداختن به راهبردهای گفتمانی هر متن است که او آن‌ها را در شش دسته جای می‌دهد: ارجاع و نام‌گذاری، پیش‌بینی، استدلال‌ورزی، بینش، چارچوب گفتمانی، و شدت (Wodak, ۱۹۹۹ P: ۴۴). وداک پس از طرح این راهبردهای زبانی به تحلیل دقیق استراتژی استدلال‌ورزی می‌پردازد تا نشان دهد که گفتمان‌ها به چه اشکالی سعی در اقناع و توجیه مخاطبان خود دارند. یک چنین رهیافت عمل‌گرایانه‌ای (تحلیل گفتمان تاریخی و به‌طور ویژه رویکرد تاریخی وداک) نسبت به نظریه، به دنبال ارائه فهرستی از مفروضات (فارغ از بافت) و تعمیم دادن آن‌ها به مواد تاریخی نیست، بلکه در پی جستجوی بیان مسائل، شکل‌بندی نظریه و مفهوم‌سازی، مرتبط با مسائل خاصی است که باید مورد بررسی قرار گیرد (آقا گل زاده، ۱۳۹۰، ص: ۶۶). پس در مقام یک محقق، اولین مسئله‌ای که باید آن را مدنظر قرار دهیم، نیاز یا عدم نیاز به نظریه کلان نیست، بلکه این است که چه ابزار مفهومی‌ای برای این یا آن مسئله یا این یا آن بافت مناسب است؟ گرچه مسئله نخست نیز قابل تأمل است، ولی خارج از حوزه علوم مسئله‌محور است. تحلیل گفتمان و به‌طور خاص تحلیل انتقادی گفتمان یکی از رهیافت‌های چند بعدی و بینارشته‌ای مورد نیاز برای تحلیل جوامع نوین است. در تحلیل گفتمان نه تنها کردارهای گفتمانی، بلکه طیف گسترده‌ای از داده‌های خام و کردارهای معناشناختی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

تحلیل انتقادی گفتمان باید چند نظریه‌ای، چند روشی و انتقادی و خود بازتابنده باشد (Wodak, ۲۰۰۹ P: ۸۹).

کتاب‌های درسی جغرافیا (از سال ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ ش.)

پیش از پرداختن به مبحث اصلی، ابتدا آن دسته از کتاب‌ها درسی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، معرفی می‌شوند. از آنجا که نظام آموزشی ایران در دوران پهلوی دوم، دستخوش تغییرات ساختاری در مقاطع تحصیلی می‌شد، در این بخش، تنها به ذکر کتاب‌های درسی مربوط به مقطع متوسطه دوم، یا همان دبیرستان اکتفا کردیم.

بنا به اقتضائات پژوهش، مهم‌ترین کتاب‌های درسی که می‌توانند حاوی اطلاعاتی در رابطه با گفتمان ملی‌گرایی پهلوی دوم باشند، گزینش شدند تا در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شود. به‌طور معمول، بیشتر مؤلفه‌ها را در کتاب‌های درسی می‌توان یافت که به بررسی جغرافیای تاریخی ایران پرداخته باشند. در این بین، محتوای کتاب جغرافیای سال پنجم دبیرستان برای رشته طبیعی، ریاضی و خانه‌داری؛ کتاب جغرافیای عمومی مقطع سوم دبیرستان و کتاب جغرافیای سال چهارم دبیرستان برای رشته ریاضی و طبیعی، به‌عنوان مورد مطالعاتی برتر از بین سایر کتاب‌های درسی مشابه انتخاب شدند تا بیشترین بهره جهت دستیابی به هدف پژوهش، یعنی پاسخ پرسش اصلی حاصل شود. گفتنی است که فاصله زمانی چاپ و نشر کتاب‌ها از روی عمد انتخاب شده تا فاصله زمانی آن‌ها، نشان‌دهنده تغییر و تحول محتوای کتاب‌ها باشد.

۱. کتاب جغرافیا برای سال سوم دبیرستان‌ها، ۱۳۴۰ ش.

نویسندگان این کتاب دکتر علی‌اکبر بینا، علی تبسمی، بابا صفری، عبدالرحیم رادگان، فرخ هدایت و عزیزالله بیات هستند. کتاب شامل ۱۵۵ صفحه و ۲ بخش است. محتوای این کتاب به محتوای کتاب جغرافیای پنجم دبیرستان که پیش از این معرفی شد، شباهت زیادی دارد. بررسی اجمالی جغرافیای طبیعی و سیاسی ایران؛ توصیف استعدادهای فلاحی و صنعتی ایران؛ چگونگی کشت و زرع و ذکر محصولات صنعتی و غذایی و مراکز مهم کشت آن‌ها؛ وضع گله‌داری و تربیت کرم ابریشم؛ صید ماهی و مروارید؛ جنگل‌ها و معادن ایران و طرز استخراج این معادن به‌ویژه نفت؛

صنایع بومی، دستی، صنایع کارخانه‌ای و ماشینی؛ راه‌های زمینی، دریایی و هوایی و مبحث تجارت و بازرگانی ایران، بخش اول و فصل‌های اول تا چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد. بخش دوم و باقی فصل‌ها نیز به بررسی جغرافیای طبیعی و اقتصادی کشورها مختلف قاره اروپا و آمریکا می‌پردازد. از این کتاب هم به دلیل پرداختن به جغرافیای اقتصادی ایران و تعدادی از کشورهای جهان، در تمامی راهبردها استفاده شده است (بینا و دیگران، ۱۳۴۰).

۲. کتاب جغرافیای سال چهارم دبیرستان، رشته ریاضی و طبیعی، ۱۳۴۶ ش.

این کتاب هم به وسیله آقایان علی‌اکبر جلالی‌فر، رضا خزائل، محمدحسن گنجی، مصطفی عاطفی و حسن مشحون تألیف گردیده، و به همت شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران (وابسته به سازمان کتاب‌های درسی) چاپ و منتشر شده است. کتاب شامل هشت فصل و ۱۴۶ صفحه است و از تصاویر و نقشه نیز به میزان کمی استفاده شده است. مباحث این کتاب به وضعیت طبیعی و جغرافیای اقتصادی کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، ژاپن، چین و اندونزی می‌پردازد. از این کتاب، تنها در راهبرد استدلالی استفاده شده است (جلالی‌فر و دیگران، ۱۳۴۶).

۳. کتاب جغرافی پنجم دبیرستان رشته طبیعی و ریاضی و خانه‌داری، ۱۳۵۲ ش.

این کتاب تألیف آقایان علی‌اکبر جلالی‌فر، رضا خزائل، محمدحسن گنجی، مصطفی عاطفی و حسن مشحون است. کتاب در ۱۹۵ صفحه و دو بخش نوشته شده است. در این کتاب از تصاویر به میزان کمی استفاده شده است. در بخش اول این کتاب که شامل سه فصل است، اوضاع طبیعی، وضعیت کشاورزی، محصولات دامی، صنایع ایران از قبیل: صنایع دستی، کارخانه‌ای و صنایع استخراجی مانند نفت و معادن، بررسی شده‌اند. در فصل سوم نیز وضعیت راه‌ها، خطوط ریلی، هوایی و دریایی، خطوط ارتباطی پست، تلگراف و تلفن و تجارت و بازرگانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش دوم کتاب همچنین، به مطالعه وضعیت جغرافیایی کشورهای همسایه ایران، در دو بخش جغرافیای طبیعی و انسانی و جغرافیای اقتصادی پرداخته شده است. از این کتاب به علت پرداختن به مباحث مهم تاریخی و جغرافیایی ایران و نیز بررسی جغرافیای کشورهای همسایه در تمامی

راهبردها استفاده شده است. زیرا همان طور که گفته شد، بیشترین مؤلفه‌های ملی را در کتبی که به بررسی جغرافیای ایران پرداخته‌اند می‌توان پیدا کرد (جلایی فر و دیگران، ۱۳۵۲).

بررسی بازتاب مؤلفه‌های ملی بر محتوای کتاب‌های درسی جغرافیا با رویکرد تحلیل گفتمان

تاریخی روث وداک

در این بخش به نمایندگی از ۳ راهبرد تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک، به بررسی متون کتب درسی جغرافیا خواهیم پرداخت.

۱. راهبرد استدلالی (argumentation strategies):

در راهبرد استدلالی بر چگونگی رخداد روند استدلالی تحسین و تقبیح عوامل رخدادهای تاریخی تمرکز دارد. در اینجا یک مرحله از ساختار «تعبیر و جمله» فراتر می‌رویم و به استدلال می‌رسیم که «واحد زبانی» بزرگ‌تری نسبت به «کلمه» و «جمله» به حساب می‌آید. در این مقطع پژوهشگر با «متن» به مثابه یک کل سروکار دارد. در این شکل آغاز و انجام «استدلال» در ساختن معنای مدنظر گوینده اهمیت پیدا می‌کند. روث وداک در تحلیل گفتمان تاریخی، از این راهبرد در تحلیل سخنرانی‌های تاریخی استفاده کرده است. طی این راهبرد، گوینده یا نویسنده با دخالت مستقیم در عناصر و چیدمان گزاره‌های خود، می‌تواند یک استدلال مخفی در پس ذهن مخاطب ایجاد کند که آن استدلال رفته رفته تبدیل به معیار و مبنای قضاوت سایر داده‌ها شود. مبحث «قدرت ملی» مهم‌ترین راهبرد استدلالی است که نویسندگان در دو کتاب جغرافیای سوم و پنجم دبیرستان در پیش گرفته‌اند. قدرت ملی عبارت است از: «توانایی قابلیت و ظرفیت یک دولت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی» (حافظنیا، ۱۳۷۹، ص: ۲۴۵).

کتاب جغرافیای سال پنجم دبیرستان، به بررسی جغرافیای اقتصادی ایران می‌پردازد. ولی در عمل از ظرفیت بالای اقتصادی ایران، به مثابه یکی از شاخصه‌های «قدرت ملی» صحبت می‌شود. مؤلفین، ابتدا به ذکر مقدماتی در باب وضعیت طبیعی ایران، ناهمواری‌ها و پستی‌ها و بلندی‌ها، جریان‌ات آب و... می‌پردازند، به شکلی که خواننده با مطالعه این کتاب به این نکته پی می‌برد که

«در ایران استعداد طبیعی و عوامل و عناصر مساعد برای ایجاد نیروهای عظیم اقتصادی، به حد کافی موجود است و تنها فعالیت و کوشش عامل دیگر یعنی انسان لازم است تا این همه منابع طبیعی مورد استفاده قرار گیرد» (جلایی‌فر، ۱۳۴۶، ص: ۱۱). در ادامه نویسندگان به جایگاه کشاورزی در ایران می‌پردازند. ایران را کشوری معرفی می‌کنند که به دلیل «تنوع آب‌وهوایی و جنس خاک» (ص: ۱۴) دارای محصولات متنوعی است. سپس به ذکر اقدامات حکومت برای بهبود وضعیت کشاورزی نظیر اصلاحات ارضی، ملی کردن رودها، ساخت سد، شرکت‌های تعاونی و... می‌پردازند (ص: ۱۵).

می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که حکومت تلاش‌های زیادی برای بهبود وضعیت کشاورزی و استفاده از ظرفیت منابع طبیعی ایران انجام می‌دهد و دانش‌آموزان به‌عنوان نسل بعدی باید وظیفه «نیروی انسانی» را برعهده بگیرند. کتاب جغرافیای سوم دبیرستان نیز دقیقاً همین رویه را در پیش می‌گیرد. این کتاب نیز به‌مانند کتاب قبلی سعی در نشان دادن نیروی بالقوه اقتصادی ایران و در نتیجه افزایش درک دانش‌آموزان از «قدرت ملی» ایران دارد. «وجود منابع سرشار زیرزمینی از قبیل نفت، و زغال‌سنگ و آهن و استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها نیز از جمله عوامل مهم اقتصادی است که آینده صنعتی درخشانی را برای آینده کشور ما نوید می‌دهد» (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۱۴). نویسندگان، قبل از شروع ذکر اقدامات حکومت برای بهبود کشاورزی با ذکر مقدمه‌ای سعی دارد تا اصلاحات حکومت پهلوی در این زمینه را برجسته کند: «در ازمنه قدیم به‌علت توجه سلاطین به احداث قنوات و ایجاد سد و بندها، استعداد کشاورزی ایران بیشتر بود. ولی بعدها به‌علت هجوم اقوام مختلف به این سرزمین از توسعه کشاورزی کاسته شد. جلگه خوزستان که یکی از مهم‌ترین نواحی کشاورزی ایران قدیم بود و تقریباً غذای جمع کثیری را تأمین می‌نمود، آبادی خود را از دست داد و برخی از نواحی حاصل‌خیز خراسان و آذربایجان نیز کشاورزی خود را از دست دادند. ولی اخیراً برای احیا کشاورزی و عمران و آبادی مناطق مذکور فعالیت‌های دامنه‌داری شروع شده‌است» (همان، ص: ۱۲). در واقع ذکر این مقدمه و سپس بررسی کشاورزی ایران و اقدامات

حکومت در این زمینه، ذهن دانش‌آموز را در پذیرش اقدامات حکومت از پیش آماده می‌کند. دانش‌آموز و خواننده کتاب هم بدون درک صحیح از کم و کاستی‌ها، این اقدامات را قبول می‌کنند. نویسندگان کتب جغرافی مقطع سوم و پنجم دبیرستان با بررسی ظرفیت صنعتی ایران، اقدامات پهلوی در عرصه صنعت را برجسته می‌کنند. سپس همین مباحث را به صورت خلاصه، در مورد کشورهای همسایه و کشورهای صنعتی اروپا و آمریکا بررسی می‌کنند. از این طریق تلاش می‌شود تا «قدرت ملی» ایران، در زمینه اقتصادی و صنعتی، قابل مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته نشان داده شود. این مصداق بارز همان استدلال مخفی است که پس ذهن مخاطب نقش می‌بندد.

این نکته بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست که روستاها و شهرها در فلات ایران از یکدیگر دور هستند و ایرانیان حتی در روزگار باستان برای پیوند این آبادی‌های دور از هم تلاش‌های سازمان‌یافته بسیاری را در حوزه راه‌سازی انجام دادند. راه ابریشم و راه شاهی داریوش از مهم‌ترین راه‌های داخل ایران در طول تاریخ بوده‌است. دلیل اهمیت قائل شدن کتاب‌های سوم و پنجم دبیرستان در خصوص راه‌ها، همین پیشینه تاریخی آن در ایران است. هر دو این کتاب‌ها به اهمیت راه‌سازی در ایران پی‌برده و سعی دارند تا خواننده را از این اهمیت آگاه کنند (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۲۷).

اقدامات پهلوی در زمینه راه‌سازی در سه دسته راه‌های هوایی، زمینی و آبی تقسیم می‌شود. خطوط ریلی راه‌آهن، به‌عنوان مهم‌ترین عامل شبکه ارتباطی در عصر جدید، لازمه توسعه زیرساختی محسوب می‌شوند. از این رو اقدامات حکومت در ساختن خطوط ریلی و گسترش آن در سراسر کشور به‌خوبی توضیح داده شده (جلایی فر، ۱۳۴۶، صص ۸۱-۹۳). راه‌های هوایی و آبی نیز، به‌عنوان شاخصه‌های توسعه حمل و نقل تجاری به‌خوبی معرفی شده‌اند (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۹۷).

از طرفی نیاز بود تا نسل آینده با کشورهای همسایه و کشورهای قدرتمند جهان آشنا شوند. کتاب جغرافیای سال چهارم دبیرستان به‌طور کامل به بررسی وضعیت جغرافیایی کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، آمریکا، چین، ژاپن، ایتالیا و اندونزی می‌پردازد. در ابتدا وضعیت طبیعی هر کشور بررسی می‌شود و سپس جغرافیای اقتصادی آن کشور. در کتاب سال سوم دبیرستان هم، مؤلفین

پس از بررسی وضعیت اقتصادی ایران، به معرفی وضعیت جغرافیایی کشورهای مهم اروپا و آمریکا می‌پردازند (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۵۸ - ۶۱). استدلالی که می‌تواند در پس ذهن مخاطب نقش ببندد، حاوی این نکته است که با وجود ظرفیت طبیعی و اقتصادی، ایران در مسیر توسعه و رسیدن به این کشورهای اروپایی و آمریکایی گام برمی‌دارد.

۲. راهبرد گزاره‌ای (predicational strategies):

در راهبرد گزاره‌ای بر روی برجسب زدن به اشخاص و رویدادها تمرکز می‌شود. یعنی یک واقعه تاریخی، یک رویداد تاریخی چگونه معرفی می‌شود. در راهبرد گزاره‌ای تحلیل گفتمان تاریخی وداک بر روی استعاره‌ای کلامی (فراتر از اسامی) تأکید شده‌است. یعنی یک ترکیب یا یک تعبیر چگونه از افراد و وقایع ذهنیت ایجاد می‌کند (Wodak & Meyer, ۱۱۱۱ P: ۵۵۵). در کتاب جغرافیای سوم دبیرستان در بخش اوضاع سیاسی ایران، دلیل انحطاط ایران را حمله اعراب و اقوام وحشی معرفی می‌کند. «حمله اعراب و متعاقب آن هجوم اقوام وحشی و متجاوز شرقی به این سرزمین از بسط تمدن و پیشرفت قلمرو به کشور ما جلوگیری نمود و لطمات و صدمات زیادی به‌واسطه وحشی‌گری و خون‌ریزی آنان به ملت ایران وارد آمد. بسیاری از مردم به قتل رسیده، تعداد کثیری از شهرهای آباد و پرجمعیت ایران دست‌خوش تاراج و چپاول گردید. دانشمندان بزرگ مقتول و کتاب‌های نفیس که مظهر و محصول قرن‌ها تمدن این کشور باستانی بود منهدم شد. هرچند ملت ایران با شجاعت و رشادت فطری خود در مقابل تمام این مصائب و بلاهای ایستادگی نموده سرانجام استقلال سیاسی خود را در قبال آن همه حوادث وحشت‌ناک تاریخی محفوظ داشت. با این حال نمی‌توان منکر شد که این وقایع تا حد زیادی رکود علمی به بار آورد و عمران و آبادی کشور را به عهده تعویق انداخت» (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۹).

چنین برداشتی از حمله اعراب از دوره قاجاریه و با اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده شروع شد (آخوندزاده، ۱۳۸۷، ص: ۳۱۵) و بعدها بین بسیاری از روشن‌فکران ایرانی رواج پیدا کرد. ملت ایران با سقوط سلسله ساسانی، حاکمیت عرب، قبول اسلام و با کنار گذاشتن دین زرتشتی دچار انحطاط و گسست تاریخی نگردید، بلکه سیر حیات تاریخی خویش را با پذیرش اسلام و حفظ بسیاری از

نموده‌ای فرهنگی و آداب و رسوم خویش تداوم بخشید. حتی با دانش ایرانی و برتری‌های فکری تمدن خود پایه‌های اجتماعی و اعتقادی خویش را در قالب اسلام واقعی ریخت به طوری که علاوه بر نقش ملی و ایرانی خود، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت. ایرانیان با اینکه اسلام را هم قبول کردند ولی در برابر عربیت و تهاجم عرب و برتری آن به اشکال گوناگون ایستادند (همایی، ۱۳۶۳، مقدمه). در واقع هویت ایرانی در هیچ برهه‌ای از تاریخ خود چه در برابر ورود شئون فرهنگ هلنیستی یونان یا هجوم اعراب که انسان را به‌نوعی ابزار برتری خود قلمداد می‌کردند، یا حمله مغول، دچار گسست و انحطاط نشده است.

بسیاری از روشن‌فکران ایرانی به‌علت عدم وجود افتخارات میهنی در دوره قاجار، به تمدن باستانی ایران می‌بالیدند و اعراب را نابودکننده تمدن ایرانی معرفی می‌کردند. این فرضیه که ادبیات پیش از اسلام ایران را کشورگشایان مسلمان یک‌جا نابود کردند، کلان‌روایتی است که در تاریخ منتقل شده. اگر مسلمانان در قرون اولیه به نابود کردن هرچه غیر اسلامی بود تمایل داشتند، قطعاً هیچ متنی از فارسی میانه و پهلوی در نهضت ترجمه دوره خلافت عباسی باقی نمی‌ماند که به عربی برگردانده شود. از طرفی امکان ندارد که در سراسر ایران تنها یک کتابخانه بوده باشد که با تخریب شدن آن تمام میراث فرهنگی ایران نابود شود (ضیاء ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص: ۷۵). همچنین در ادامه همین کتاب درسی در مبحث صنعت نفت و استخراج آن می‌خوانیم که «در سال ۱۳۱۲ برابر ۱۹۳۳ میلادی دولت ایران قرارداد داری را لغو کرد ولی امتیاز دیگری به‌مدت ۶۰ سال با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد نمود نمود» (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۳۲). این در حالی است که دولت ایران در آن زمان هیچ نقشی در لغو قرارداد داری نداشت و این شخص رضاشاه بود که قرارداد را به‌صورت خودسرانه پاره کرد و در آتش انداخت. آبراهامیان در این باره می‌نویسد که «رضاشاه در یک امور مهم (کاهش نفوذ مؤثر و گسترده شرکت نفت ایران و انگلیس) شکست خورد. وی گرچه در سال ۱۳۱۱ شمسی ناگهان امتیاز نامناسب داری را لغو کرد، یک سال بعد به‌دلیل جلوگیری از ضبط دارایی‌های خارجی ایران، عقب‌نشینی نمود و قرارداد نامناسب دیگری امضا نمود» (آبراهامیان، ۱۳۷۸، ص: ۱۷۹).

در واقع لغو قرارداد داری و انعقاد قرارداد جدید تماماً به دستور شخص شاه انجام شد. در ادامه و در بحث تجارت خارجی می‌خوانیم که «تجارت خارجی ایران در ادوار گذشته مخصوصاً در زمان صفویه اهمیت و رونق فراوانی داشت و کالاهای ایران در اغلب ممالک جهان به فروش می‌رسید. ولی در اثر توسعه تمدن ماشینی و عدم توجه حکومت‌های سابق به تدریج تجارت خارجی کشور ما رو به زوال گذاشت و به کلی از اهمیت و اعتبار افتاد» (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۴۹). چنین صحبتی در مورد تجارت خارجی ایران پس از صفویه و خصوصاً در دوره قاجاریه صحیح نیست. هر چند میزان تجارت خارجی ایران در دوره قاجاریه به نسبت دوره صفویه اختلاف زیادی دارد، ولی در این دوره نیز، ایران اقلام صادراتی زیادی داشته‌است و بخشی از درآمد خود را از همین راه به دست می‌آورده. مهم‌ترین این اقلام ابریشم، تریاک، توتون و تنباکو، برنج، انگور و میوه‌جات و پنبه بودند. چارلز عیسوی در کتاب تاریخ اقتصادی ایران این مباحث را به خوبی بررسی کرده‌است (عیسوی، ۱۳۸۹). به عنوان نمونه در مورد صادرات تنباکو می‌خوانیم: «در آغاز قرن نوزدهم تنباکو در بیشتر قسمت‌های ایران کشت می‌شد و یکی از اقلام مهم صادراتی آن به شمار می‌رفت. در واقع گوگل در سال ۱۸۴۰ م. آن را از مهم‌ترین اقلام صادراتی به حساب آورده و می‌گوید که این کالا به هند، استانبول و مصر صادر می‌شود. به و میزان محصول آن را در سال ۱۸۵۰ میلادی ۵۰ میلیون پوند برآورد کرده که حدود ۲۲ میلیون آن صادر می‌شد و لیکن این رقم عراق‌آمیز به نظر می‌رسد. در جنوب نیز تولید و صدور تنباکو افزایش یافت. در سال ۱۸۸۲ م. کنسول انگلیس در بوشهر گزارش داد که در سال‌های گذشته صدور قابل توجهی از تنباکوی ایران صورت گرفته و رو به افزایش است. تنباکو بیشتر از طریق دریا به سوریه و سایر بندرهای ترکیه صادر می‌شود چرا که تعرفه ممنوع آن لغو شده‌است. دو سال بعد باز گزارش داد که صدور تنباکو در حال افزایش و اهمیت پیدا کردن است» (عیسوی، ۱۳۸۹، ص: ۳۸۰). اما در کتاب جغرافی پنجم دبیرستان هم با چنین راهبردهایی مواجه هستیم. بیشتر مباحث این کتاب حول محور جغرافیای اقتصادی ایران است. در همین راستا هم از اقدامات پهلوی در بخش‌های مختلف کشاورزی و اقتصادی صحبت می‌شود. در بخش کشاورزی، سابقه کشاورزی ایران به زمان مهاجرت آریایی‌ها برمی‌گردد و نویسنده

معتقد است که از همان زمان کشاورزی، منبع اساسی ثروت کشور ما گردید (جلایی فر و دیگران، ۱۳۵۲، ص: ۱۲). این در حالی است که در همین زمان، در مورد اقوامی که قبل از مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران، در این سرزمین زندگی می‌کردند، اطلاعات تاریخی وجود داشت و پیرنیا سال‌ها قبل به وجود این اقوام اشاره می‌کند (پیرنیا، ۱۳۸۲، جلد ۲، ص: ۱۴۰). یکی از مهم‌ترین اقدامات پهلوی، پروژه ملت‌سازی و انسجام ملی، برپایه نژاد مشترک آریایی اقوام مختلف ایران، بود که در راهبردهای بعدی بی‌شک به صورت مفصل به آن پرداخته خواهد شد. در بخش مربوط به زندگی کارگران ایرانی این کتاب در مورد زندگی کارگران می‌گوید: «در ۱۰ سال اخیر زندگی کارگری در ایران تحولات فراوان داشته‌است. ریشه این تحولات را باید در قانون سهام‌شدن کارگران در منافع مؤسسات صنعتی و تولیدی جستجو کرد. به موجب این قانون تشکل کارگران و تأسیس سندیکاهای کارگری و همکاری کارگران در بالا بردن سطح تولید تحقق یافته و بسیاری از کارگران کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی و صنعتی یا سندیکاهای مربوط به آن‌ها، با کارفرمایان خود به عقد قراردادهای دسته‌جمعی مبادرت ورزیده و بر اساس این قراردادها از سود ویژه کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بهره‌مند شده‌اند. میزان بهره‌مندی کارگران از این سود به موجب پیش‌بینی قانون ممکن است تا ۲۰ درصد از منافع خالص کارخانه‌ها و کارگاه‌ها برسد. آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۴۲ تا آخر بهمن ۱۳۵۴، ۸۳ هزار نفر از کارگران کشور از سود ویژه کارگاه‌ها و کارخانه‌ها برخوردار گشته‌اند» (جلایی فر و دیگران، ۱۳۵۲، ص: ۴۸).

با توجه به گسترش فعالیت‌های کارگری گروه‌های چپ در دهه ۵۰ منطقی به نظر می‌رسید که این کتاب به بررسی زندگی کارگران و اقدامات حکومت پهلوی در زمینه رفاه حال این طبقه جدید هم بپردازد (بنوعیزی و اشرف، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۲). البته بیشتر این مباحث به دور از واقعیت بود. «سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها در سال ۱۳۴۲، برنامه سهام کارگران در سال ۱۳۵۴ شمسی که اصل سیزدهم و اصل ششم انقلاب سفید بود، از جمله برنامه‌های پهلوی برای تأمین منافع کارگران بود. اگر از تمام تبلیغات عوام‌فریبانه پهلوی درباره این طرح‌ها که آن‌ها را نشانه خیرخواهی شاه قلمداد می‌کند صرف‌نظر کنیم، می‌توان گفت که این طرح‌های دوگانه، اقداماتی

معتدل و تاکنون بدون موفقیت در جهت افزایش قدرت تولید کارگران بوده‌است. در حقیقت این اقدامات دامنه بسیار محدودتری نسبت به ادعاهای دولت داشته‌است. این طرح چند سال بعد نیز فقط شامل ۱۷۵ هزار کارگر در ۱۳۵/۳ واحد صنعتی شده بود. یعنی فقط ۱۵ درصد کارگران» (نوذری، ۱۳۹۳، ص: ۷۹). ذهنیت ایجاد شده از اصلاحات پهلوی دوم در کتاب‌های درسی جغرافیا، ناظر بر این بود که طبقات جدید پدید آمده در جامعه ایران به رسمیت شناخته می‌شوند، و این کل، «ملت ایران» را می‌سازد. پس در این شکل همه به یک اندازه از سود و منفعت اصلاحات شده منتفع هستند. در حالی که در طول انقلاب اسلامی، همان کارگرهای خوشبخت (از منظر کتاب‌های درسی)، نقش نیروی پیشران را ایفا کردند.

۳. راهبرد منظرسازی (perspectivization/framing strategies):

در راهبرد منظرسازی یک تفاوت اساسی با دیگر راهبردها مشاهده می‌شود، آن هم اینکه این بار تنها در مقام عامل شناسا می‌توانیم از این راهبرد در جهت فهم گوینده بهره بگیریم، در حالی که در سه راهبرد پیشین خودمان نیز قادر بودیم به‌جای آن برابر ایستا قرار بگیریم و از درون به آن نگاه کنیم. در این راهبرد امکان یکی شدن با گوینده فراهم نیست، لذا تنها یک راه باقی می‌ماند، آن هم اینکه با استفاده از چند تکنیک تحلیل گفتمان بتوانیم به چشم‌انداز و منظره‌ای که گوینده به آن دسترسی دارد، نظر بندازیم. به زبان ساده‌تر فردی را تصور کنید که روی تپه ایستاده و از منظره پشت تپه به شما اطلاعات می‌دهد، در حالی که شما به آن منظره دید کافی ندارید. در این بخش ما باید از «متن» فراتر برویم و به ساختارهای اجتماعی توجه کنیم. کتاب درسی در واقع بهانه‌ای است یا درگاه ورودی است برای شناخت مجموعه‌های دیگری که الزاماً «مکتوب» نیستند. مناسبات اجتماعی آن دهه تاریخی، خود جزئی از متن است که می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. این از شاخصه‌های تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک است (Wodak & Meyer,, P: ۷۷۷). گفتمان نژاد آریایی در واقع یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ناسیونالیسم ایرانی است. در پروژه هویت‌سازی دولت پهلوی، ایرانیان از نژاد آریایی دانسته شده‌اند. این نژاد، نخست تنها نژاد برتر و صاحب‌نام جهان امروز است. دوم، در پیشینه تاریخی‌اش نیز مبدأ تمدن بوده‌است. قائل شدن به عنصر نژادی در ساختمان ملیت ایرانی، در پرتو ایدئولوژی‌های آن روزگار به‌ویژه ایدئولوژی‌های

نژادپرستانه جدید اروپا صورت می‌گرفت (محمدعلی اکبری، ۱۳۸۵، ص: ۲۵۴). نگاه ذات‌گرایانه به نژاد سامی از ستون‌های ایدئولوژی آریایی بوده و تضاد بین سامی‌ها و آریایی از منظر این ایدئولوژی یک اصل علمی پنداشته می‌شد. این اصل با نفرت ضد عربی در ایدئولوژی ناسیونالیستی ایران که تلاش داشت مسئولیت زوال ایرانیان را به‌دوش عرب‌ها بیاندازد، تناسب و همخوانی داشت. در عصری که ناسیونالیست‌های ایرانی در پی یافتن یک راه‌حل ساده برای برون رفت از معمای تاریخی انحطاط ایران بودند، عجب نیست آریایی‌باوری به‌سادگی محک اصلی تعریف هویت ایرانی شود. با وجود این، ایدئولوژی آریایی نه به سبب درستی یا نادرستی پیام‌اش، که از این جهت که مولود فکر اروپایی بوده و در اروپا پرورش یافته بود، توسط متفکرین ایرانی پذیرفته شد. «محمدرضا شاه در سال ۱۳۴۴ شمسی لقب «آریامهر» را به خود داد. وی در ملاقات خصوصی به سفیر بریتانیا سر آنتونی پارسونز گفت: ما ایرانیان آریایی هستیم؛ با اروپایی‌ها از یک خانواده‌ایم؛ فقط اتفاقی جغرافیایی ایران را در خاورمیانه قرار داده و از ملل اروپایی هم‌قطارش جدا کرده‌است» (ضیاء ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص: ۲۶۵). شاه خود در جایی گفت: «آری، ما شرقی هستیم، ولی آریایی. خاورمیانه کجاست؟ ما را دیگر آنجا نخواهید یافت. اما در آسیا چرا. ما قدرت آریایی آسیایی‌ای هستیم که از نظر ذهنیت و فلسفه به دول اروپایی، خصوصاً فرانسه، نزدیک است» (همان، ص: ۲۴۵). این سخن محمدرضا شاه پهلوی نشان‌می‌دهد که گفتمان آریایی تا چه حد در بین حکومت از اهمیت برخوردار بوده‌است. در مقابل می‌توان گفت، در سرتاسر ادبیات فارسی تا دهه ۱۲۷۰ شمسی، مطلقاً نام و نشانی از نژاد آریایی نیست.

در کتاب جغرافیای سال سوم دبیرستان‌ها این‌طور می‌خوانیم: «ایرانیان از نژاد آریا می‌باشند که در حدود سه‌هزار سال قبل از میلاد مسیح باین سرزمین مهاجرت کرده، دولت‌های نیرومندی مانند هخامنشی و ساسانی و اشکانی به وجود آوردند» (بینا و دیگران، ۱۳۴۰، ص: ۹). همان‌طور که گفته شد، گفتمان آریایی سعی دارد تا همه جمعیت ایران را از نژاد آریایی معرفی کند. «سرزمین آریایی» بیشتر از طریق نوشته‌های ناسیونالیستی و کتب درسی دوره پهلوی به مقصد «انسجام ملی» در «ایران آریایی» و تفکیک ایرانیان از همسایه‌هایی که گویا از لحاظ نژادی متمایز اند، ترویج شد.

این درحالی است که ایران براساس تمام متون نوشته و شواهد مادی، از باستانی‌ترین زمان سکونت انسان تا امروز هرگز مسکن یک جمعیت همگون و متجانس نبوده است. تاریخ بشر، امتداد و نتیجه مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و تعامل و آمیزش انسان‌ها است. این واقعیت با همه ابعاد آن در مورد فلات ایران، که از لحاظ جغرافیایی در چهارراه مهاجرت‌ها و راه‌های تجارتي بین آسیای میانه، خاورمیانه و شبه قاره هند واقع است، صدق می‌کند. یکی دیگر از مشخصه‌های آریایی‌گری پهلوی، نسبت دادن اروپایی‌ها به نژاد آریایی است. «اروپا در حدود ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت دارد. که اکثر آن‌ها از نژاد سفید و از شاخه‌های آریایی می‌باشند» (همان، ص: ۶۲).

این کتاب فصلی دارد تحت‌عنوان «نژادها- نژاد سفید پوست- مردمان هندو اروپایی» که کاملاً با توسل به «علم نژاد» و به‌طور مشخص بر اساس «علم تفکیک نژادها و شکل و کیفیت انسان‌های متعلق به آن‌ها» نوشته شده است. این فصل کتاب کاملاً به شیوه اروپایی آن زمان که انسان را به نژادهای آریایی، سامی و امثال آن دسته‌بندی می‌کرد نوشته شده، و از ترمینولوژی ادیان ابراهیمی که نسل بشر را به سه پسر نوح (سام، نام و یافث) می‌رساند به مثابه ابزار دسته‌بندی نژادی کار گرفته است. در این کتاب فرض بر این است که اجداد آریاییان یا هندو اروپاییان امروزی دارای یک خاستگاه اولیه بوده‌اند. پیرنیا در این زمینه نظریه رایج اوایل قرن بیستم را که ادعا داشت، خاستگاه آریاییان شبه جزیره اسکانديناوی است، با صراحت پذیرفت. پس بنابر فرضیه پیرنیا ایرانی‌ها مردمانی‌اند که از اسکانديناوی به فلات ایران کوچیده‌اند. چنین مطالبی را در کتب درسی جغرافیایی هم می‌بینیم. در کتاب جغرافیای سوم راهنمایی، افراد بشر به سه نژاد سفید، سیاه و زردپوست تقسیم می‌شوند که برای هر نژاد هم ویژگی خاص در چهره ترسیم می‌کند (خلیلی فر، ۱۳۵۶، ص: ۱۴۱).

کتاب درسی جغرافی پنجم دبیرستان، برای مسئله اصلاحات ارضی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شود. این کتاب در بحث مربوط به کشاورزی از موانع پیش‌رو کشاورزی ایران و ظلم مالکان به رعیت سخن می‌گوید (جلایی فر و دیگران، ۱۳۵۲، ص: ۶۷). اصلاحات ارضی که به‌منظور افزایش تولید و خارج کردن زارعین از انزوای اقتصادی و خودمصرفی بود و فراهم کردن زمینه ورود آنان به حوزه

مبادلاتی، تبدیل کشاورزان به مصرف‌کنندگان و ترغیب آنان به مبادلات و کشاندن کشاورزان به درون شبکه اقتصادی مبتنی بر سود و زیان تولیدی، از هدف‌های اساسی اصلاحات ارضی بود (نوذری، ۱۳۹۳، ص: ۲۸۶). مهاجرت سرسام‌آور روستاییان به شهرها را باید منفی‌ترین پیامد اصلاحات ارضی شاه دانست، توضیح اینکه رژیم شاه موجب ویرانی نظام کهن کشاورزی و مناسبات ارضی گردید، بی آنکه بتواند نظام جدیدی را جایگزین کند به طوری که سهمی کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از رقم ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۸، به ۹ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید (آوری، ۱۳۷۱، جلد ۳، ص: ۱۷). بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، سهمی کشاورزی هم در تولید ناخالصی‌های غیر نفتی و هم در کل تولید ناخالص ملی کاهش یافت. توزیع سرانه نسبی کشاورزی بسیار پایین‌تر از صنایع و خدمات بود (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص: ۳۵۴). اصلاحات ارضی برعکس ادعاهای محمدرضا شاه، موجب فقیرتر شدن خانواده‌های کشاورز گردید. به طوری که یک خانواده کشاورز به طور متوسط بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ ریال عایدات ماهیانه داشت، لذا کشاورزان به سرعت به شهرهای بزرگ رو آوردند و جذب پروژه‌های مختلف به ویژه در بخش ساختمانی دولتی و خصوصی و پروژه‌های شهری شدند که به حد وفور به نیروی کار نیاز داشت، در نتیجه معضل شهرنشینی به یک معضل اساسی جامعه ایران بدل شد، در سال ۱۳۵۵، پس از تحقیقات دفتر ویژه اطلاعات مشخص شد که ظرف ۵ سال، ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت تهران و ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت مشهد، ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت اصفهان و ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت شیراز افزوده شده است (فردوست، ۱۳۹۰، جلد ۱، ص: ۲۷۴ و ۲۷۵). میزان مهاجرت از روستاها به شهرها تا سال ۱۳۵۱ بالغ و ۴ میلیون و ۲۷۰ نفر بوده است (آوری، ۱۳۷۱، جلد ۳، ص: ۲). نگاه کتاب جغرافیای پنجم دبیرستان به مبحث اصلاحات ارضی بسیار یک‌سویه و جانب‌دارانه است. دلیل اصلی این امر هم سیاست‌های خاص در تألیف کتاب‌های درسی است.

اصلاحات ارضی شاید از مهم‌ترین اقدامات حکومت پهلوی بوده که لازم بود تا با این شیوه ذهن نسل جدید به سمت کم‌وکاستی‌های آن نرود. نگاه نویسنده کتاب جغرافیای پنجم دبیرستان به اصلاحات ارضی چنین است: «به آنچه که درباره چگونگی کشاورزی در گذشته نظر دادیم، این

مطلب را هم باید اضافه کنیم که تا پیش از اجرای قانون اصلاحات ارضی، وجود مالکیت‌های بزرگ عملاً سدی در برابر پیشرفت کشاورزی بود، زیرا بیشتر مالکان، کشاورزان را که رعیت خود می‌دانستند در جهل و فقط و بی‌خبری نگه می‌داشتند و از تأسیس مدرسه و درمانگاه در روستاها جلوگیری می‌کردند. بدیهی است که در این شرایط تازگی و تحول به روستاها راه نمی‌یافت و به همین دلیل اثری از پیشرفت کشاورزی و بالابردن سطح تولیدها دیده نمی‌شد، تازه در این شرایط دهقانان موظف بودند سهمی قابل توجه از دسترنج خود را به مالک (ارباب) تحویل دهند. با اجرای قانون اصلاحات ارضی، نظام کهن ارباب و رعیتی از هم پاشیده شد و بیش از ۲۴۰۰۰۰۰ خانوار کشاورز که با افراد عائله خود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند صاحب زمین شدند. از آن پس، در روستاها، رکود جای خود را به فعالیت و تلاش داد و روستاییان با علاقه و اشتیاق به آبادانی کشتزارهای خود که در بیش از ۵۴۰۰۰ ده و ۱۹۰۰۰ مزرعه واقع بودند پرداختند» (جلایی‌فر و دیگران، ۱۳۵۲، ص:۱۵). یعنی همان‌طور که در ابتدا توضیح داده شد، نویسنده و سیاست‌های پس‌تألیف کتب درسی به دانش‌آموزان از همان منظره پشت کوهی سخن می‌گویند که دانش‌آموز اشراف کافی به آن ندارد. در نتیجه اصلاحات ارضی در ذهن دانش‌آموزان مقبول جلوه می‌کند.

نتایج تحقیق

در پژوهش حاضر، به نمایندگی از عناصر موجود در رهیافت تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک، سه راهبرد زبانی گزینش شد تا به واسطه آن محتوای چهار کتاب درسی جغرافیا در دوره پهلوی دوم مورد بررسی و بازخوانی قرار بگیرد، تا در نهایت از تکنیک‌ها و شیوه‌های تبلیغ و ترویج مؤلفه‌های ملی مورد نظر حکومت، تصویر واضحی به‌دست داده شود. در ساحت نظری می‌توان گفت حکومت پهلوی با بهره‌برداری از جغرافیای تاریخی ایران و مفاهیم بنیادین سازنده آن توانست حکومت شاه و نهاد سلطنت را جزئی از ارکان الزامی «ملیت ایرانی» معرفی کند. و نیز در ساحت عملی اصلاحات اقتصادی شاه را طوری صورت‌بندی کرد که در نهایت ایران را در مسیر آینده‌ای درخشان با چهره‌ای نوینی ترسیم کند، در حالی که برخلاف تصویر منعکس شده در کتاب‌های

درسی، پیامدهای اجتماعی این اصلاحات سبب شد تا نارضایتی‌های افشار ضعیف جامعه افزایش پیدا کند و در نهایت انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به وقوع بپیوندد.

منابع و مطالعات

کتاب‌ها:

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. (ابراهیم فتاحی و احمد گل محمدی، مترجمان). نشر نی.
- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان انتقادی*. علمی فرهنگی.
- آوری، پیتر. (۱۳۷۱). *تاریخ معاصر ایران*. (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم) (ج سوم). انتشارات عطایی.
- . تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول). تهران: انتشارات علمی - اکبری، محمدعلی فرهنگی، ۱۳۸۵.
- بنوعزیزی، علی؛ و اشرف، احمد. (۱۳۸۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم). نیلوفر.
- پیرنیا، مشیرالدوله. (۱۳۸۲). *تاریخ ایران باستان* (ج دوم). انتشارات نگاه.
- حافظ نیا، محمدرضا، میانی مطالعات سیاسی - اجتماعی (جلد ۲). قم: انتشارات سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، ۱۳۷۹.
- ضیاء ابراهیمی، رضا. (۱۳۹۶). *پیدایش ناسیونالیسم ایرانی: نژاد و سیاست بی‌جاسازی*. (حسن افشار، مترجم). نشر مرکز.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۸۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه ق)*. (یعقوب آژند، مترجم). گستره.
- . ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. ج اول. ۲ جلدی ج. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰. - فردوست، حسین
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. (فاطمه شایسته پیران، مترجم). طبع و نشر.
- . اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه کامبیز عزیزی و - کاتوزیان، محمدعلی محمدرضا نفیسی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۴.
- نور. - میرحیدر، دره. (۱۳۸۲). *اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*. دانشگاه پیام
- الله. (۱۳۹۳). *تاریخ اجتماعی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. نوید شیراز. - نوذری، عزت
- . شعوبیه. اصفهان: صائب، ۱۳۶۳. - همایی، جلال‌الدین

مقالات

- آخوندزاده. (۱۳۸۷). پی افزود مقاله سوغات فرنگ. یاد، ۸۸(۲۴)، ۳۱۷-۳۱۳.

- اکبری، دکتر محمدعلی؛ و شکورفهراری، معصومه. (۱۳۹۱). وجوه فرهنگی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول (کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی). مسکویه، ۲۳(۷)، ۳۲-۷.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۹۳). تبیین فلسفه علم جغرافیا. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۱۴(۱۸)، ۵۶-۲۷.
- لشگری تفرشی، احسان. (۱۳۹۹). جستارهای نوین در شناخت نظری مفهوم جغرافیای فرهنگی در مکتب پدیدارشناسی. جغرافیا و توسعه، ۵۹(۱۸)، ۲۰-۱.

کتاب‌های درسی

- اکبر؛ علی تبسمی؛ بابا صفری؛ و عبدالرحیم رادگان. (۱۳۴۰). کتاب درسی جغرافیا برای سال سوم - بینا، علی دبیرستان‌ها. مؤسسه مطبوعاتی احمد علمی.
- اکبر؛ خزائل، رضا؛ گنجی، محمدحسن؛ و عاطفی، مصطفی. (۱۳۵۲). کتاب درسی جغرافی - جلایی‌فر، علی مقطع پنجم دبیرستان رشته طبیعی، ریاضی و خانه‌داری. شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- اکبر؛ خزائل، رضا؛ گنجی، محمدحسن؛ و عاطفی، مصطفی. (۱۳۴۶). کتاب درسی جغرافیای - جلایی‌فر، علی سال چهارم دبیرستان. شرکت سهامی طبع و نشر کتاب‌های درسی ایران.

Wodak, Ruth. (۲۰۰۹). *Discursive Construction of National Identity*. Edinburgh University Press.

Wodak, Ruth. (n.d.). *Language, Power and Ideology*. John Benjamins Publishing Company.

Wodak, Ruth; & Chilton, Paul. (۲۰۰۵). *A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis: Theory, methodology and interdisciplinarity*. John Benjamins Publishing.

Wodak, Ruth; & Meyer, Michael. (۱۱۱۱). *Methods of Critical Discourse Analysis*. SAGE.

Wodak, Ruth; & Meyer, Michael. (۵۵۵۵). *Methods of Critical Discourse Studies*. SAGE.